

ORIGINAL ARTICLE

عوامل و پیامدهای شیوع مرگ سیاه (طاعون بزرگ قرون وسطا) در ایران (قرن هشتم و نهم هجری / چهاردهم و پانزدهم میلادی)

Factors and Consequences of the Spread of the Black Death (Great Plague of the Middle Ages) in Iran (Eighth and Ninth Century AH / Fourteenth and Fifteenth Century AD)

Ahmad Fazlinejad

Assistant Professor of History, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence: Ahmad Fazlinejad, Assistant Professor of History, Shiraz University,
Shiraz, Iran; afazlinejad@yahoo.com

احمد فضلی نژاد

استادیار بخش تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: احمد فضلی نژاد، استادیار بخش تاریخ
دانشگاه شیراز، شیراز، میدان ارم، پردیس ارم، دانشکده ادبیات
و علوم انسانی، بخش تاریخ.

afazlinejad@yahoo.com

Abstract

In the world history, from ancient times up to now, the plague has been followed by heavy casualties on human societies and social order. One of the deadliest plagues is the Great Plague of the middle ages, or so-called Black Death. This plague, in the eighth and ninth AH (fourteenth and fifteenth century AD) swept over some large areas of Asia, especially the Middle East, as well as Europe, and massacred millions of people. In Iran, the plague had three stages, especially in Azerbaijan and Heart where it imposed heavy losses. At that time, after the collapse of Ilkhanid, local dynasties, namely Timurid and Turkmen, ruled in Iran. Factors which played a pivotal role in the break-out of the disease are as follows: environmental Factors, human actions, especially the invasion of Mongols and the East-West trade.

The present study, employing descriptive – analytical method and having access to related historical sources, has investigated the outbreak of the plague and its social consequences in Iran.

The purpose of this paper is to show the impact of the outbreak of plague on social movements and its role in the recession of Iranian-islamic civilization in the Middle Ages of Iran

Keywords: Plague, The Black Death, Iran, Fourteenth and fifteenth century AD, Social consequences

Received: 7 Sep 2015; Accepted: 1 Nov 2015; Online published: 8 Nov 2015

Research on History of Medicine/ 2015 Nov; 4(4): 211-224



خلاصه مقاله

بیماری طاعون در تاریخ جهان از دوران باستان تا دوره‌ی معاصر همواره تلفات گسترده‌ی انسانی و پریشانی اجتماعی به همراه داشته است. یکی از مرگبارترین طاعون‌ها در تاریخ بشر، شیوع طاعون بزرگ قرون وسطا یا به اصطلاح مرگ سیاه است که در قرن‌های هشتم و نهم هجری/چهاردهم و پانزدهم میلادی مناطق وسیعی از آسیا به ویژه خاورمیانه و اروپا را در نوردید و میلیون‌ها نفر را به کام مرگ کشاند. این طاعون در ایران طی سه مرحله شیوع پیدا کرد و به ویژه در آذربایجان و هرات تلفات زیادی به بار آورد. این دوران در ایران مصادف با به قدرت رسیدن حکومت‌های محلی پس از زوال ایلخانان و همچنین دوره‌ی حکومت تیموریان و ترکمانان بود. در انتشار این بیماری علاوه بر عوامل محیطی، کنش‌های انسانی به ویژه تهاجم مغولان و گسترش تجارت شرق و غرب نقش اساسی ایفا نمود. مقاله‌ی حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در صدد است تا ضمن بهره‌گیری از منابع تاریخی نزدیک به واقعه برای شناخت چگونگی انتشار این بیماری، پیامدهای اجتماعی مترتب بر آن را در هر مرحله از شیوع آن در جامعه‌ی ایران مورد بررسی قرار دهد. هدف از این پژوهش نشان دادن تأثیر انتشار طاعون بر تحولات اجتماعی و نقش آن در رکود تمدن ایرانی - اسلامی در تاریخ میانه‌ی ایران است.

کلمات کلیدی: طاعون، مرگ سیاه، ایران، قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی، پیامدهای اجتماعی

مقدمه

مقاله‌ی حاضر به بررسی چگونگی انتشار طاعون بزرگ قرن هشتم و نهم هجری/چهاردهم و پانزدهم میلادی معروف به مرگ سیاه و شیوع آن در مناطقی از ایران می‌پردازد. این بیماری که در تاریخ پزشکی به عنوان مرگبارترین بیماری شناخته شده است، پس از پیدایش آن - احتمالاً در آسیای مرکزی - به سایر نقاط جهان گسترش یافت موجب تغییراتی در مسیر تحولات جوامع به ویژه در اروپا گردید. بعضی از مناطق ایران نیز دستخوش شیوع این بیماری شد و طی چند مرحله به مدت یک قرن و نیم شهرهایی از ایران را درنوردید و تلفات انسانی و پیامدهای اجتماعی زیادی به بار آورد. مرگ سیاه - یا به عبارتی طاعون بزرگ قرون وسطا - یک دهه پس از زوال دولت ایلخانان یعنی ۷۴۷/۱۳۴۶م آغاز گردید و تا یک دهه پیش از تأسیس دولت صفوی یعنی تا ۸۹۸/۱۴۹۱م ادامه یافت. از نظر سیاسی در دوره‌ی مورد نظر حکومت‌های محلی پس از ایلخانان و دولت تیموریان در شرق و دولت‌های ترکمان قراقویونلو و آق‌قویونلو در غرب ایران فرمانروایی می‌کردند. بخش زیادی از این دوران را هرج و مرج سیاسی پس از زوال ایلخانان و فروپاشی نظم اجتماعی و ناامنی اقتصادی و همچنین ویران‌گری حاکمان محلی در کشمکش رقابت برای تصاحب تخت و تاج ایران زمین تشکیل داد. ضمن این که هجوم تیمور به ایران نیز در همین دوران و چند سال پس از موج اول شیوع طاعون بزرگ آغاز شد. در دوره‌ی شاهرخ جانشین تیمور، موج دوم طاعون شهر هرات را در بر گرفت و تلفات فراوان به بار آورد. سومین مرحله‌ی طاعون در اواخر دوره‌ی آق‌قویونلوها و همانند موج اول در آذربایجان انتشار یافت. با این حال موج اول طاعون بزرگ، بیشترین تلفات انسانی را در سراسر جهان به ویژه در چین، آسیای غربی، شمال آفریقا و کل اروپا به بار آورد. این پژوهش درصدد است تا به دو پرسش مهم در مورد مرگ سیاه پاسخ دهد: نخست آنکه منشاء جغرافیایی مرگ سیاه و عوامل انتشار آن در ایران و سایر کشورها چه بوده است؟ و دوم: پیامدهای اجتماعی طاعون بزرگ برای جامعه‌ی ایران چه بود؟ پرسش دوم از آن جهت اهمیت دارد که نقش بیماری طاعون در رکود جامعه‌ی ایرانی در قرن هشتم و نهم هجری مورد ارزیابی قرار گیرد. تجزیه و تحلیل این موضوع و تبیین گزارش‌های تاریخی در این مورد می‌تواند فرضیه‌ی تازه‌ای را با طرح این پرسش مطرح سازد که آیا امواج پی در پی طاعون بزرگ قرون وسطا از عوامل مهم رکود و انحطاط تمدن ایرانی - اسلامی نبوده است؟ موضوعی که از چشم محققان و مورخان در ارزیابی علل این رکود پنهان مانده است.



پیشینه تحقیق

در مورد مرگ سیاه تاکنون مقالات و کتاب‌های فراوانی در اروپا منتشر شده که همه‌ی آنها به موضوع شیوع این بیماری در اروپا و علل و پیامدهای آن می‌پردازند. تألیفات اندکی نیز به گسترش آن در جهان اسلام به ویژه شمال آفریقا پرداخته‌اند. در مورد مرگ سیاه در ایران صرفاً از میان اشارات کوتاه و گاه جمله‌ای خبری در این پژوهش‌ها می‌توان اطلاعاتی به دست آورد که عدم توجه به ایران در این زمینه جای تأمل دارد.

بیرن¹ در بخشی از اثر خود در مورد زندگی مردم قرون وسطا در زمان مرگ سیاه به علم پزشکی در جهان اسلام پرداخته و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی طاعون را بر جوامع اسلامی در مقایسه با اروپا بررسی نموده است. با این حال در مورد ایران فقط اشاره‌ای به گسترش آن در آذربایجان در مرحله‌ی اول شیوع بیماری نموده است.

مارتین² در یکی از برجسته‌ترین تألیفات در این زمینه، شیوع طاعون در شمال آفریقا و خاورمیانه را مورد توجه قرار داده و در مورد ایران صرفاً به سابقه‌ی طاعون دوره‌ی ساسانی معروف به طاعون ژوستی نین یا طاعون شیرویه اشاره دارد. البته نویسنده زکریای رازی دانشمند و شیمیدان بزرگ ایرانی را نخستین فردی که به توصیف طاعون فراگیر پرداخت، معرفی می‌کند.

بُرش³ به بررسی مقایسه‌ای مرگ سیاه در مصر و انگلستان پرداخته و زمینه‌ها و پیامدهای آن را در این دو سرزمین مورد ارزیابی قرار داده است.

شوشان⁴ در مدخل وباء و طاعون به منشاء و راههای گسترش طاعون و تاریخچه‌ی آن در جهان اسلام پرداخته و به نکته‌ی خاصی در مورد طاعون در ایران اشاره نکرده است.

اسلاویسک⁵ توصیف و توضیح مفصل در مورد مرگ سیاه و نحوه‌ی ورود آن به مناطق مختلف جهان دارد و به ویژه گسترش آن را در اروپا و همچنین شمال آفریقا مورد توجه قرار داده است. این اثر برای شناخت کلی بیماری و تاریخ انتشار آن ارزشمند است، اما در مورد شیوع آن در ایران اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد.

بیرن⁶ اثری مهم و نسبتاً جامع در مورد مرگ سیاه فراهم آورده است و اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با این بیماری در جهان و به ویژه جهان اسلام و رویکرد مورخان مسلمان ارائه می‌دهد. با این حال فقدان مطالبی در مورد ایران در این پژوهش نیز مشهود است.

بیرن⁷ در سومین اثر خود در مورد مرگ سیاه، علاوه بر پژوهشی تحلیلی و عالمانه از این رویداد، اسناد اولیه‌ای را فراهم نموده که نگاه شاهدان و مورخان آن دوران را نشان می‌دهد.

حاتمی⁸ در بخشی از پژوهش خود به کانون‌های طبیعی طاعون و از جمله مناطق ایران توجه نموده و با ترسیم نقشه‌هایی در این زمینه انطباق آن با گزارش‌های تاریخی را امکان‌پذیر می‌سازد.

به هر حال تاکنون مقاله‌ی مستقلی در مورد شیوع مرگ سیاه در ایران و پیامدهای آن منتشر نشده و همچنان این رویداد ویرانگر و پر اهمیت در قرون وسطا مورد توجه جدی مورخان تاریخ پزشکی در ایران قرار گرفته نشده است.

مروری بر شناخت بیماری طاعون و تاریخ شیوع آن در جهان تا دوره‌ی مرگ سیاه

طاعون (Plague) نوعی بیماری عفونی باکتریال مشترک بین انسان و حیوانات است که در گذشته اغلب برای توصیف هرگونه بیماری همه‌گیر (Epidemic) به کار می‌رفت. این بیماری در طول تاریخ یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش جمعیت‌های انسانی در مناطق مختلف جهان بوده و در مواردی به عامل ویرانگر بعضی از تمدن‌ها تبدیل گردیده است. طاعون انواع مختلفی داشته که معروف‌ترین نوع آن، طاعون خیارکی (Bubonic Plague) یا مرگ سیاه (Black Death) است و عامل آن باکتری میله‌ای شکل کوچک یرسینیا پستیس (Yersinia Pestis) یا باسیل است که اغلب به وسیله‌ی کک موش صحرائی انتقال می‌یابد. در کلنی‌های جوندگان باسیل که در شکم کک‌ها زندگی می‌کرد بین کک‌ها و جوندگان انتقال یافته و از این طریق انتشار می‌یافت.⁹ بنابراین طاعون در درجه‌ی اول یک بیماری متعلق به حیوانات، عمدتاً جوندگان، است که پس

- 1- Byrne, 2006: 261-266.
- 2- Martin, 2007: 84.
- 3- Borsch, 2005: 40 and 54.
- 4- Shoshan, 2002: 2-3.
- 5- Slavicek, 2008: 40-43.
- 6- Byrne, 2012: 3-9.
- 7- Byrne, 2004: 151-178
- 8- Hatami, 1384: 92-95.
- 9- Borsch, 2005: 2.



از انتشار در میان آنها می‌تواند از طریق گزیدن کک آلوده به انسان‌ها نیز سرایت کند. در این وضعیت «کک پس از گزیدن شخص مبتلا، باکتری‌ها را می‌بلعد، باکتری‌ها سپس تکثیر شده و بین مری و میان روده‌ی کک انسداد ایجاد می‌کنند. کک که بدین ترتیب از خوردن غذا محروم می‌شود، در حالت گرسنگی مکرراً می‌گزد و با هر گزش، خون آلوده را به محل گزش می‌ریزد و باکتری‌ها را منتقل می‌کند».¹⁰ پس از ورود باکتری به بدن انسان و دوره‌ی نهفتگی که ممکن است بین دو تا شش روز طول بکشد علائمی مانند تب، سر درد، سینه درد، سرفه، تنگی نفس، استفراغ و لکه‌های سیاه بر روی پوست در مبتلایان مشاهده می‌شود. مشخص‌ترین نشانه‌های طاعون خیارکی (مرگ سیاه) ورم‌های دردناکی است که اغلب در کشاله‌ی ران، زیر بغل و گردن ظاهر می‌شود.¹¹

کانون‌های طبیعی طاعون در جهان مناطق وسیعی را در برمی‌گیرد که شامل: بخش‌هایی از آفریقا، مناطق زیادی از آسیا، قسمت‌هایی از امریکای جنوبی و مناطق معتدل‌تر امریکای شمالی و قسمت‌هایی از اروپا بوده است. در آسیا کانون‌های شکل‌گیری و انتشار طاعون شامل حوزه‌ی قفقاز، شرق ترکیه، شمال غربی ایران، شرق صحرای گبی و شمال شرقی چین، کوه‌های تبت و پامیر، مناطق وسیعی از افغانستان، ایران، شمال غربی هند و حوزه‌های خلیج فارس و دریای عمان بوده است.¹²

با آن که از دیرباز جوامع بشری دستخوش شیوع بیماری طاعون بوده‌اند، اما مهم‌ترین طاعون‌های جهان که از آن به عنوان طاعون جهانگیر (Pandemic) یاد می‌شود، در سه دوره‌ی تاریخی اتفاق افتاده است.

نخستین طاعون جهانگیر معروف به طاعون ژوستینیان است که در دوره‌ی حکومت ژوستینیان امپراتور بیزانس (۵۶۵-۵۲۷م) شیوع پیدا کرد. در سال ۵۴۱م در مصر انتشار یافت و از آنجا به فلسطین و سوریه رسید. پس از آن سرزمین‌های بیزانس، ایران و اروپا را نیز در بر گرفت و در مناطق وسیعی از جهان انتشار یافت.¹³ شیوع این طاعون بازتاب گسترده‌ای در آثار مورخان گذشته و حال داشته است. شایع شدن آن در ایران همزمان با دوره‌ی حکومت شیرویه (قباد دوم) پادشاه ساسانی بود که در بعضی منابع به نام او طاعون شیرویه خوانده شده است.¹⁴ چنان که ابوریحان بیرونی مرگ این پادشاه را در اثر طاعون ذکر می‌کند.¹⁵ اهمیت این طاعون به حدی بوده که یکی از محققان آن را از عوامل ضعف امپراتوری‌های ساسانی و بیزانس و زمینه‌ساز گسترش اسلام قلمداد کرده است.¹⁶

طاعون بزرگ قرون وسطا معروف به مرگ سیاه، دومین طاعون جهانگیر در تاریخ است. این طاعون در قرن هشتم هجری/چهاردهم میلادی در آسیای مرکزی شیوع پیدا کرد و با گذشتن از حوزه‌ی قفقاز و دریای سیاه تا مصر و مدیترانه و سپس سراسر اروپا منتشر شد. طاعون از جانب شرق وارد چین شد و جان میلیون‌ها نفر را گرفت. مرگ سیاه یکی از ویرانگرترین رویدادهای طبیعی در تاریخ اروپا به شمار می‌رود در حدود دو سوم جمعیت آن قاره را به کام خود کشید. در انگلستان ۷۰ درصد مردم در اثر طاعون مردند و جمعیت آن از ۷ میلیون نفر به حدود ۲ میلیون نفر رسید.¹⁷ این مرحله از طاعون بیش از یک قرن ادامه یافت و پیامدهای گسترده‌ی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به همراه داشت.

سومین طاعون جهانگیر در قرن نوزدهم در چین و آسیای شرقی شیوع پیدا کرد و به سایر مناطق گسترش یافت.

در مورد نامگذاری مرگ سیاه بر دومین طاعون جهانگیر، گزارش‌های تاریخی و رویدادنگاری اروپایی‌ها و مسلمانان مورد ارزیابی و بررسی مورخان قرار گرفته شده است. آنچه مسلم است در قرن هشتم/چهاردهم میلادی نام مرگ سیاه بر این بیماری اطلاق نمی‌شد. اروپایی‌ها در آن زمان صرفاً با عنوان طاعون یا بیماری همه‌گیر از آن نام می‌بردند. نخستین بار عبارت مرگ سیاه در نوشته‌ی رویدادنگار سوئدی در سال ۱۵۵۵م دیده می‌شود و سپس در قرن هفدهم در آثار مورخان دانمارکی و انگلیسی نیز بکار رفت. اما کاربرد وسیع این عبارت در نوشته‌های تاریخی اروپایی‌ها از قرن هجدهم میلادی مشاهده می‌شود. در واقع عبارت مرگ سیاه ترجمه‌ی غیر دقیق از واژه‌ی لاتینی *atra mors* است که واژه‌ی *atra* هم معنی ترسناک و وحشتناک و هم معنی سیاه می‌دهد.¹⁸ بنابراین مورخان واژه‌ی سیاه را نه به مفهوم ترس و وحشت بلکه به معنی کبودی فهمیده و از آنجا که یکی از علائم طاعون خیارکی بروز لکه‌های سیاه بر روی پوست بود، این عنوان برای

- 10- Ramin, 1389: 11/77.
- 11- Magner, 2005: 157.
- 12- Hatami, 1384: 92.
- 13- Martin, 2007: 15-16.
- 14- Shoshan, 2002: Vol XL/2-3.
- 15- Biruni, 1386: 165.
- 16- Byrne, 2006: 258.
- 17- Legoff, 1391: 303.
- 18- Martin, 2007: 28.



طاعون قرن هشتم/چهاردهم میلادی بکار رفت. با این حال مورخان مسلمان در آن زمان برای توصیف انتشار طاعون از عبارت دقیق‌تری مانند طاعون جهانی، فناء عظیم یا سال نابودی استفاده می‌کردند.¹⁹

لازم به ذکر است که در بسیاری از آثار مورخان گذشته گاه به جای طاعون از عنوان بیماری وباء یاد می‌کردند که به نظر می‌رسد انتشار این دو بیماری در مقاطع مختلف و بعضی علائم مشابه موجب یکسان پنداشتن آنها شده است. به همین دلیل است که بیشتر آنها که شناخت دقیقی از علت شیوع طاعون و تفاوت آن با وباء نداشتند، عمدتاً عواملی چون تعفن هوا و آلودگی آب را عامل گسترش آن می‌دانستند. با این حال بعضی از مورخان به تفاوت آن دو اشاره نموده‌اند که حاکی از شناخت آنها از این بیماری بوده است. عبدالرزاق سمرقندی در ذکر رویدادهای خراسان در دوره‌ی شاهرخ تیموری و شیوع طاعون و وباء در هرات می‌نویسد هنوز «بقیه‌ای از مرض وباء و اندکی از علت طاعون هست».²⁰

منشاء جغرافیایی مرگ سیاه

تبیین منشاء جغرافیایی مرگ سیاه مستلزم توجه به دو مجموعه شواهد و مدارک است: نخست منابع و گزارش‌های تاریخی اولیه و معاصر با رویداد و دوم شواهد اکتشافی و نظریه‌های علمی. بررسی منابع اولیه و پژوهش‌های نوین در تاریخ پزشکی نشان می‌دهد که با وجود اختلاف نظرها در مورد کانون اولیه انتشار مرگ سیاه، اغلب یکی از مناطق پیرامونی مرزهای ایران مورد توجه آنها بوده است. یکی از نخستین گزارش‌های تاریخی، نوشته‌ها و اشعار ابوحنیفه عمر بن الوردی (۷۴۹-۶۹۱ق/۱۳۴۹-۱۲۹۲م) مورخ، فقیه و شاعر مسلمان سوری است که شاهد وقوع مرگ سیاه در حلب بوده و خود در سال ۷۴۹ق/۱۳۴۹م در اثر این بیماری از دنیا رفت. او می‌نویسد طاعون پانزده سال پیش در «سرزمین ظلمات» شیوع پیدا کرد و از آنجا به سایر نقاط جهان گسترش یافت. طاعون سپس به چین و هند رفت. به سرزمین اوزبک‌ها وارد شد و پس از آن از ماوراءالنهر گذشت و به ایران رسید. از آنجا به کریمه و روم و سپس قبرس و دیگر جزایر انتشار یافت.²¹ ابن الوردی سپس به شرح گسترش طاعون در شام می‌پردازد و می‌گوید طاعون در دمشق مانند سلطانی بر تخت نشست و روزانه بیش از هزار نفر قربانی گرفت.²² منظور از سرزمین ظلمات در آثار مورخان و جغرافیدانان مسلمان، دشت‌های دور دست شمالی و شرقی ایران است. چنان که ابن بطوطه در سفرنامه‌ی خود اطلاعاتی از مردم سرزمین ظلمات ارائه می‌دهد و آن سرزمین را از اراضی بلغارها چهل روز فاصله می‌داند.²³

گزارش دست اول دیگر در این دوره کتاب تاریخ شیخ اویس اثر ابوبکر القطبی الاهری است که تحولات سالهای پایانی دولت ایلخانان را نوشته است. در این کتاب در ذکر رویدادهای دوران حکومت ملک اشرف بر آذربایجان با اشاره به ظلم و تعدی اشرف بر مردم تبریز در سال ۷۴۷ق/۴۷-۱۳۴۶م می‌نویسد: «ملک اشرف به تبریز آمد و مال از مردم به تعدی می‌ستاند و خزینه می‌انباشت و آن سال وباء عظیم در آذربایجان افتاده بود. سه چیز فراوان بود. ظلم و گرانی و وباء».²⁴ بر اساس شواهد موجود و گزارش منابع دیگر، منظور از وباء عظیم که الاهری به آن اشاره کرده، همان مرگ سیاه یا طاعون بزرگ است که همراه با شیوع وباء بخش زیادی از ایران و خاورمیانه را در بر گرفت. این نکته نشان می‌دهد که در نخستین مرحله‌ی طاعون بزرگ قرون وسطا، مناطق پیرامون دریای سیاه و آذربایجان نیز دستخوش بیماری شده بود. موضوعی که منشاء طاعون را به مناطق نزدیک به ایران نیز محتمل می‌نماید.

محمدالمقریزی مورخ دیگر مسلمان (وفات ۸۴۵ق) در مورد منشاء طاعون می‌نویسد طاعون از سرزمین خان بزرگ آغاز شد و اخبار آن نیز از سرزمین اوزبک‌ها رسید. در سرزمین خان شش پسر او در اثر طاعون مردند. پس از آن به سرتاسر ممالک شرقی و بلاد اوزبک، استانبول و قیصریه و روم انتشار یافت.²⁵ مقریزی منشاء طاعون را در سرزمین خان بزرگ شش ماه سفر از تبریز می‌داند که به معنی مغولستان یا چین شمالی است.²⁶

مؤلف تاریخ الفی با بهره‌گیری از نوشته‌های معاصران طاعون بزرگ اینگونه گسترش طاعون و منشاء آن را توصیف می‌کند:
«و عجب تر آن که این مرض در جمیع بلاد دنیا پیدا شده بود شرقاً و غرباً و جنوباً و شمالاً. و هیچ جاندار را از این بلا خلاصی نبود، خواه انسان و خواه مرغ و خواه

- 19- Al Maqrizi, 1422: Vol 1/introduction: 17, Vol 2/224.
- 20- Samarqandi, 1383: 4/928.
- 21- Ibn Alwardi, 2004: 173.
- 22- Ibid.
- 23- Ibn Battuteh, 1377h: 217.
- 24- Al Ahari, 1383: 81-83.
- 25- Al Maqrizi, 1418h: 4/81.
- 26- Ibid.



- 27- Tatawi, 1382: 7/4552.
 28- Howorth, 1880: 2/175.
 29- Byrne, 2004: 22.
 30- Byrne, 2012: 49.
 31- Sussman, 2011: 327.
 32- Ibid, 327-328.
 33- Byrne, 2012: 49.

ماهی. و اول مرتبه در ابتدای اقلیم اول که در تصرف قآن و در مملکت ختا بود پیدا شد و مردم آن ولایت به اجمعهم هلاک شدند. شدت این مرض در آن ملک به مرتبه‌ای رسید که بسیاری سواره بر پشت اسب جان دادند و فرصت فرود آمدن نمی‌شد. اسبان و انواع جانوران آن ولایت هلاک شدند و مردها بر روی زمین افتاده بودند. بعد از تعفن ایشان بوی بد ایشان همراه باد شده به هر ولایت که رسید از ولایت ختا، مردم آن ولایت مردند بالتمام؛ چه، به مجرد آن که باد به جاندار می‌وزید هلاک می‌کرد. قآن و اولادش بالتمام هلاک شدند و کسی نماند که لایق حکومت آن ولایت باشد. و در آن حکومت آنقدر کس هلاک شد که جز علام الغیوب کسی را اطلاع بر شماره ایشان ممکن نمی‌شد. این واقعه در ختا در سنه هفتصد و چهل و دو بود.²⁷

به هر حال بعضی از مورخان گذشته و امروزی، منشاء طاعون بزرگ را پیرامون سرزمین ایران یا سرزمین چین می‌دانند. مورخان معاصر تعداد قربانیان را در چین ۱۳۰۰۰,۰۰۰ نفر تخمین می‌زنند.²⁸ و رویدادنگاری‌های چینی در این دوره، مرگ اعضای خاندان امپراتوری را تأیید کرده‌اند.²⁹

پژوهشهای تاریخی و علمی جدید نزدیکی کانون اولیه مرگ سیاه به سرزمین ایران را تأیید می‌کند. یکی از فرضیه‌های اخیر خاستگاه اولیه طاعون بزرگ را در شمال سرزمین ایران، جایی نزدیک به دریای سیاه و جنوب روسیه می‌دانند. طرفداران این فرضیه نزدیکی حوزه دریای سیاه به خاورمیانه و اروپا و انتشار سریع آن به این مناطق را با توجه به شواهد تاریخی مد نظر دارند.³⁰ ویلیام مک نیل (William Mc Neil) سرزمین ظلمات را که در بعضی منابع مسلمانان به عنوان منشاء جغرافیایی مرگ سیاه شناخته شده، تأیید می‌نماید. او معتقد است که سواران مغولی پس از نفوذ در حوزه‌های جغرافیایی چین و برمه در نیمه‌ی قرن سیزدهم میلادی / هفتم هجری، موش‌ها و کک‌های آلوده را با خود به مغولستان برده و پس از تهاجم به آسیای مرکزی این حاملان بیماری طاعون در امتداد راه ابریشم از طریق مهاجمان و کاروان‌ها به مناطق غربی از جمله حوزه دریای سیاه و از آنجا به سایر نقاط راه یافتند.³¹

تنها گواهی باستان‌شناسی در مورد منشاء مرگ سیاه که می‌تواند این دیدگاه مک نیل و مورخان مسلمان را تقویت کند، کشف گورستانی از قربانیان طاعون در آسیای مرکزی است. در سال ۱۸۸۵م باستان‌شناس روسی دانیل آبراموویچ چولسون (Daniel Abramovich Chwolson) دو گورستان قرون وسطایی متعلق به تاجران مسیحی نسطوری را در غرب دریایچه‌ی ایسیک گول در کرانه‌ی شمالی قرقیزستان امروزی کشف کرد. تحقیقات او بر سنگ قبرها و تاریخ و علت مرگ آنها نشان داد که بیش از یکصد تن از آنها طی سال‌های آغازین شیوع مرگ سیاه مرده بودند. اسامی تعدادی از آنها نیز جزو نام‌هایی بوده که مرگ آنها در اثر طاعون در گزارش‌های آن زمان ثبت شده بود.³²

آخرین فرضیه در مورد منشاء گسترش مرگ سیاه، انتشار دیدگاه جان نوریس (John Norris) در سال ۱۹۷۷م است. او ضمن نقد و بررسی سایر فرضیه‌ها، منشاء انتشار طاعون را در ناحیه‌ی کردستان در غرب ایران و شمال عراق امروز دانست. از دیدگاه وی شرایط زیست محیطی و شواهد مربوط به مسیرهای ارتباطی انتقال بیماری به نواحی دیگر، این منطقه را گزینه‌ی مناسبی برای پیدایش طاعون و انتشار آن نموده است. به عقیده‌ی نوریس طاعون از اینجا به سمت شمال در حوزه دریای سیاه و سپس دریای خزر و آسیای مرکزی و در سمت غرب به مصر و مدیترانه و سایر نقاط گسترش پیدا کرد.³³

عوامل انتشار مرگ سیاه

به طور کلی می‌توان عوامل انتشار طاعون بزرگ قرون وسطا را در دو مقوله‌ی شرایط محیط زندگی شهری و روستایی و کنش‌های انسانی بررسی کرد:

۱- شرایط محیطی

در گذشته، آلودگی مناطق مسکونی روستاها و شهرها مهم‌ترین عامل رشد و انتقال بیماری‌ها به ویژه طاعون بوده است. انباشت زباله‌ها و فاضلاب‌های خانگی و لاشه‌های حیوانات در محیط زندگی شهرها و روستاها شرایط مناسبی برای جذب و ازدیاد موش‌های حامل بیماری فراهم می‌ساخت. خانه‌های گلی با سقف‌های



34- Desormeaux, 2007: 6.

35- Hamadani, 1388: 205.

36- Mostowfi Qazwini, 1381: 90.

چوبی پرشکاف مکان مناسبی برای لانه‌سازی جوندگان حامل باکتری بودند. ضمن این که بیشتر مردم در کنار حیوانات اهلی که کک‌ها و موش‌های آلوده نیز هم‌نشین آنها بودند، زندگی می‌کردند. همچنین غلات به ویژه گندم و جو که قوت غالب مردم بود، در انبارها و خانه‌ها در دسترس موش‌ها بودند. علاوه بر موش‌ها، بعضی حیوانات خانگی در طویله‌ها نیز در فراهم کردن امکان انتشار طاعون نقش داشتند.³⁴

در محیط زندگی شهری شیوه‌ی معماری و شهرسازی و خیابان‌کشی نیز در امکان بروز و شیوع بیماری‌ها مؤثر بودند. رشیدالدین فضل‌الله همدانی در تاریخ مبارک‌غازانی ضمن شرح اقدامات و امارت‌سازی‌های غازان‌خان، یکی از اقدامات او را اصلاح برج و باروی تبریز می‌شمارد که موجب شد وسعت پیرامون آن و مساحت داخل شهر افزایش یابد. استدلال رشیدالدین این است که بدینوسیله باغات اطراف شهر نیز در داخل شهر جای گرفت و فراخی محیط زندگی مردم که طی زمان جمعیت آنها افزایش یافته بود، می‌توانست در جلوگیری از بروز بیماری‌ها مؤثر باشد. او می‌نویسد تجربه نشان داده که بعضی شهرهای آباد و ثروتمند به دلیل تراکم جمعیت در کوچه‌های تنگ و باریک امارت‌های دو سه طبقه ساخته‌اند و این بلندی دیوارها در تعفن هوا و شیوع بیماری تأثیر گذار بوده است.³⁵

علاوه بر شرایط محیطی، وضعیت اقلیمی و آب و هوایی، رطوبت نسبی، نزدیکی به اراضی پرجمعیت و حاصلخیز که احتمال انتقال حاملان طاعون را افزایش می‌داد، در گسترش این بیماری مؤثر بوده‌اند. حمدالله مستوفی مورخ و جغرافیادان قرن هشتم هجری/چهاردهم میلادی اعتدال هوا و خاک اصفهان را یکی از دلایلی می‌داند که در آن شهر اینگونه بیماری‌ها در آن کمتر شیوع یافته است.³⁶

۲- کنش‌های انسانی

منظور آن دسته از فعالیت‌های انسانی است که به طور مستقیم بر انتشار طاعون بزرگ قرون وسطا تأثیر نهاده و سهم اصلی را در میزان بالای مرگ و میر در مناطق مختلف داشت. مهم‌ترین کنش‌های انسانی مؤثر در گسترش مرگ سیاه عبارتند از تحریکات مغولان و حاکمیت امپراتوری مغول بر استپ اوراسیا و سرزمین‌های ایران و روسیه و همچنین گسترش تجارت خشکی و دریایی بین شرق و غرب در اواخر قرون وسطا.

تقریباً همه‌ی مورخان در مورد نقش اساسی تهاجم مغولان در انتشار مرگ سیاه به سایر نقاط جهان و از جمله ایران اتفاق نظر دارند. مغول‌ها پس از هجوم به مناطق دیگر، موش‌های ناقل بیماری را با خود بردند. آنها پس از تصرف چین موجب شیوع بیماری در آن سرزمین شدند که جان میلیون‌ها نفر را گرفت. راه ابریشم که پس از تهاجمات مغولان همچنان مورد توجه تاجران و محل رفت و آمد ارتش مغول بود، نقش مهمی در انتشار طاعون در چین ایفا کرد. پس از چین طاعون در هند شیوع پیدا کرد و تلفات زیادی به بار آورد. مغول‌ها پس از چین به آسیای مرکزی، ماوراءالنهر، ایران و روسیه تا شرق اروپا تاختند و علاوه بر کشتار بی‌رحمانه‌ی انسان‌ها، همراه با کاروان‌های آذوقه و بار و بنه، موش‌های صحرائی حامل کک‌ها و بیماری طاعون را نیز با خود به سرزمین‌های دیگر بردند. پس از پایان فتوحات مغولان، امپراتوری وسیع جانشینان چنگیز در قرن هفتم و هشتم هجری/ سیزدهم و چهاردهم میلادی از کره و چین در شرق تا اوکراین و مجارستان در غرب گسترده بود. این امپراتوری شامل چهار قلمرو (اولوس) بزرگ جانشینان چنگیز یعنی: امپراتوری مغولی در چین، جغتایان در ماوراءالنهر و ترکستان، خاندان جوچی (اردوی زرین) در روسیه و ایلخانان در ایران بود. رقابت‌ها و نبردها و ارتباطات آنها با یکدیگر در گسترش طاعون مؤثر بود و سرزمین پهناور ایران به عنوان یکی از کانون‌های مهم مرادفات بازرگانی مغولان در مسیر انتشار این بیماری قرار داشت. از آنجا که آذربایجان - تختگاه ایلخانان - و مناطقی از قفقاز و حوزه‌ی دریای سیاه یکی از پر رفت و آمدترین نواحی ایران و هم محل نزاع‌های طولانی با مغولان روسیه و هم یکی از مهمترین گذرگاههای تجارت شرق و غرب به شمار می‌رفت، دستخوش شیوع بیماری مرگ سیاه در مراحل مختلف گردید.

در انتشار مرحله‌ی نخست مرگ سیاه در ایران و بخشهایی از خاورمیانه و اروپا،



37- Jowayni, 1387: 1/141.

38- Document in: Getz, 1991: 267.

39- Slavicek, 2008:43.

40- Document in: Byrne, 2004: 151.

قلمرو خاندان جوچی یا اردوی زرین مهم‌ترین نقش را ایفا نمود. اردوی زرین از ترکستان شرقی تا اقصای بلغار و تا غربی‌ترین مناطقی که سواران مغولی رسیده بودند، گسترش داشت.³⁷ مهم‌ترین منطقه‌ی تحت قلمرو این خاندان، حوزه‌ی دریای سیاه و قفقاز شمالی بود که حاصلخیزترین و از نظر راه‌های خشکی و دریایی مهم‌ترین حوزه‌ی اقتصادی و سیاسی آنها به شمار می‌رفت. آنها بر شمال و شرق دریای سیاه و بنادر مهم آن و به ویژه شبه جزیره‌ی کریمه تسلط داشتند، از این رو مورد توجه جمهوری‌های بازرگانی ایتالیایی از جمله ونیز و جنوا قرار گرفته بودند. بندر کافا (Caffa) - فئودوسیای امروزی Feodosya - بر شبه جزیره‌ی کریمه یکی از پر رونق‌ترین بنادر تجاری اردوی زرین بود که جنوبی‌ها توانسته بودند طی قراردادی با آنها در این بندر مستقر شده و اقامتگاه‌هایی برای بازرگانان ایتالیایی و خانواده‌های آنها فراهم سازند. شهرت این بندر در تاریخ جهان بیشتر به واسطه‌ی محل انتقال مرگ سیاه به خاورمیانه و اروپاست که میلیون‌ها نفر را به کام مرگ کشاند.

در سال ۷۴۴ و ۷۴۶ ق/۱۳۴۳ و ۱۳۴۵ م یعنی در آستانه‌ی شیوع مرحله‌ی نخست مرگ سیاه در خاورمیانه و اروپا، ارتش اردوی زرین با تاجران ایتالیایی در بندر کافا وارد جنگ شد. در آن زمان طاعون به مناطق نزدیک به دریای خزر و دریای سیاه از جمله به شهر سرای پایتخت اردوی زرین در کنار و لگا رسیده بود. محاصره‌ی بندر کافا از سوی نیروهای جانی بیگ فرمانروای اردوی زرین و مقاومت جنوبی‌ها، همزمان با فرا رسیدن طاعون و مرگ تعداد زیادی از مغولان بود. منبع اصلی مورخان در مورد شرح این رویداد گزارش سر دفتر ایتالیایی به نام گابریل د موسیس (Gabriele de Mussis) است که خود شاهد ماجرا بوده است. او می‌نویسد مغولان که از محاصره‌ی کافا دست کشیدند اجساد قربانیان طاعون را بر دیوارها و داخل شهر انداختند تا بیماری را در میان ساکنان انتشار دهند و در ادامه می‌نویسد ایتالیایی‌ها با ترک شهر از طریق کشتی‌های خود طاعون را به سایر نقاط انتقال دادند.³⁸ اینکه توصیف وی از نحوه‌ی انتقال بیماری از طریق اجساد قربانیان از نظر علمی چقدر دقیق است، امروزه مورد نقد دانشمندان و میکروبیولوژیست‌ها قرار گرفته و مباحثی را برانگیخته است.³⁹ با این حال می‌توان این رویداد را یکی از قدیمی‌ترین جنگ‌های میکروبی تاریخ دانست که به کشتار وسیعی از مردم آسیا، آفریقا و اروپا انجامید.

سند دیگر در مورد شیوع طاعون از این منطقه به سایر کشورها، نوشته‌ی به جا مانده از امپراتور مستعفی بیزانس، ژان ششم کانتاکوزنوس (John VI Cantacuzenos) است که پس از کناره‌گیری از قدرت به نگارش تاریخ امپراتوری طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۶ میلادی پرداخت. او نیز می‌نویسد طاعون از طریق دریای سیاه به یونان، ایتالیا، مصر، لیبی، سوریه و تقریباً سراسر جهان گسترش یافت.⁴⁰

از عوامل انسانی دیگری که در انتشار مرگ سیاه در جهان تأثیر به‌سزایی داشت، تجارت بین‌المللی شرق و غرب از طریق خشکی و دریا بود. این عامل از جهاتی متأثر از عملکرد مغولان بود. امپراتوری بزرگ مغولان که از چین تا دریای سیاه کشیده شده بود، مهم‌ترین راه‌های تجارتهای قرون وسطا را در اختیار داشت. امنیت راه‌ها در سایه‌ی سلطه‌ی مغولان و سیاست مدارای مذهبی آنها با سایر اقوام موجب رفت و آمد تاجران مناطق مختلف از راه‌های بازرگانی تحت قلمرو آنها گردید. در ایران نیز از زمان ایلخانان، علاوه بر مسیرهای بازرگانی پیشین که در امتداد راه ابریشم از آسیای مرکزی تا آذربایجان کشیده شده بود، یک راه دیگر گشوده شد که نقش مؤثری در تغییر مسیر بازرگانان و مسافران خارجی داشت. راه بازرگانی شمال- جنوب که مسیرهای تجاری بنادر دریای سیاه را به خلیج فارس و اقیانوس هند پیوند می‌داد. بدین ترتیب از این مسیرهای پر تردد بازرگانی علاوه بر کالاها و اقلام، انواع بیماری‌ها از جمله طاعون بزرگ نیز راه خود را به مناطقی از ایران گشودند. از جمله کالاهایی که بوسیله‌ی کاروانها و کشتی‌ها مبادله می‌شد، می‌توان به انواع پارچه و خز و قالیچه اشاره کرد. این اقلام برای حمل و انتقال کک‌های آلوده بسیار مناسب بودند. همچنین مواد غذایی و غلات و حیوانات که موش‌های صحرائی از آنها تغذیه می‌کردند، به مناطق مختلف حمل می‌شدند.

در قرن هشتم هجری / چهاردهم میلادی فعالیت بازرگانی دیگر - یعنی تجارت برده - از قلمرو اردوی زرین به مصر و مدیترانه افزایش قابل توجهی یافت که آن



نیز نقش مهمی در گسترش مرگ سیاه داشت. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که کشتی‌های انتقال بردگان به مصر یکی از عوامل اصلی انتشار مرگ سیاه در آن سرزمین بوده است، چنان که در سال ۱۳۴۷/ق/۱۳۴۷م کشتی حامل بردگان به اسکندریه بیماری طاعون را به آن بندر انتشار داد و از سیصد برده تنها یکی زنده مانده بود.⁴¹

مراحل شیوع مرگ سیاه در ایران و پیامدهای اجتماعی آن

مرگ سیاه در ایران مانند بسیاری از سرزمین‌های دیگر، حدود یک قرن و نیم از ۱۳۴۶/ق/۱۳۴۶م تا ۱۳۴۸/ق/۱۳۴۸م و طی سه مرحله شیوع پیدا کرد. مرحله اول سال‌های ۱۳۴۷ق تا ۱۳۴۸ق، مرحله دوم دهه‌ی ۱۳۳۰ق/۱۳۳۰م و مرحله سوم دهه‌ی ۱۳۲۰ق/۱۳۲۰م.

۱- مرحله اول؛ دوره‌ی هرج و مرج سیاسی پس از زوال ایلخانان

بین سال‌های ۷۴۷ و ۱۳۴۶/ق/۱۳۴۶م و ۱۳۴۸م مرگ سیاه از طریق حوزه‌ی دریای سیاه و قفقاز به ایران رسید و از آن پس تا دهه‌های آینده در مناطق و ایالات مختلف ایران شیوع آن ادامه یافت چنان که بر اساس گزارش‌های موجود این بیماری تا سیستان نیز شایع شد و تلفات زیادی به بار آورد.⁴²

ابن تغری بردی مورخ مسلمان (۸۷۴-۸۱۳ق) ضمن توصیف این طاعون مرگبار که هزاران کشته در مصر و ممالک اسلامی به جا نهاد، آغاز آن را از قلمرو خان بزرگ مغول می‌داند و می‌نویسد پس از آن به تبریز و بعد به دیگر سرزمین‌های اسلامی از جمله سوریه و مصر گسترش یافت.⁴³ مورخ دوره‌ی تیموری، عبدالرزاق سمرقندی در ذکر وقایع سال ۷۴۷ق می‌نویسد در تبریز شیوع بیماری و ظلم ملک اشرف به نهایت خود رسید و بسیاری از اهالی شهر جلای وطن کردند.⁴⁴ طاعون در بغداد و مناطق دیگری از عراق نیز سرایت کرد و جمع کثیری را از پا در آورد. از اواخر صفر سال ۱۳۴۸/ق/۱۳۴۸م به بغداد رسید و سپس به کاظمین و از آنجا به شرق و غرب عراق گسترش یافت. ملک اشرف چوپانی که در آذربایجان قدرت به دست گرفته بود، در ۱۳۴۷/ق/۱۳۴۷م برای جنگ با شیخ حسن جلایری عازم بغداد شد. در هنگام محاصره‌ی بغداد، طاعون به جان لشکریان و اهالی شهر افتاد و تلفات سنگینی بر نیروهای ملک اشرف وارد ساخت، چنان که مجبور به عقب نشینی شدند.⁴⁵ با این حال طاعون در بین‌النهرین جان هزاران نفر را گرفت و آبادیهای زیادی را خالی از سکنه و کرد و بسیاری از اراضی کشاورزی به دلیل فقدان نیروی کار نابود گردید.

این دوره همزمان با هرج و مرج سیاسی در ایران پس از فروپاشی دولت ایلخانان است. از این رو تلاش مدعیان سلطنت پس از ایلخانان برای تسلط بر آذربایجان به ویرانگری و کشتارهای زیادی از مردم آن سرزمین انجامید و شیوع بیماری نیز بر حجم خرابی‌ها و تلفات انسانی افزود. در واقع یکی از علل موفقیت خان‌های اردوی زرین، از جمله جانی بیگ در هجوم به آذربایجان و غارت آن منطقه، هرج و مرج و ویرانی آن دیار در اثر طاعونی است که مناطق وسیعی از قفقاز و آذربایجان را فرا گرفته بود و به قول یکی از مورخان مانند فته‌لی آتش گرفته‌ای در مسیر جاده‌های بازرگانی به داخل سرزمین‌های آسیا وارد گردید.⁴⁶

یکی از پیامدهای مهم این مرحله از طاعون، ناتوانی اقتصادی مردم در مناطق طاعون‌زده و در پی آن بروز بحران‌های اجتماعی بود. چنان که در این دوره فتح شهرها و ایالات توسط حاکمان محلی و مهاجمان با سهولت بیشتری صورت گرفته و مقاومت‌های سرسختانه از جانب مردم کمتر دیده می‌شود. یکی از علل فتح آسان و پی در پی ایران توسط تیمور و سرداران دیگر در این دوره ضعف عمومی جامعه در اثر شیوع این مرحله از مرگ سیاه بوده است. به عنوان نمونه شیوع طاعون در کلات مازندران که به عقیده‌ی حافظ ابرو اکثر مردم را هلاک کرده بود، موجب شد تا اهالی ضمن ارسال تحف و هدایا تسلیم تیمور شده و در امان ماندن سایر مناطق را از او بخواهند.⁴⁷ هرچند آمار دقیقی از تعداد قربانیان مرگ سیاه در این مرحله وجود ندارد، اما مورخان تلفات طاعون سال ۱۳۴۸/ق/۱۳۴۸-۱۳۶۹م تبریز را بالغ بر سیصد هزار نفر گزارش کرده‌اند.⁴⁸

مؤلف تاریخ القی یکی از پیامدهای این مرحله از طاعون را ناامنی سیاسی و اجتماعی نه تنها در ایران بلکه در اکثر بلاد عالم می‌داند. او که از این بیماری به عنوان غضب الهی یاد می‌کند، بی‌نظمی و پریشانی اجتماعی به ویژه در مصر،

41- Ibn Taghri Bardi, 1413h: 10/159.

42- Sistani, 1383: 94.

43- Ibn Taghri Bardi, Op cit: 156.

44- Samarqandi, 1383: 1/249.

45- Al Maqrizi, 1418h: 4/82.

46- Sanders, 1361: 160-161.

47- Hafez Abri, 1380: 2/578.

48- Fasih Khaafi, 1386: 2/966.



ایران، ماوراءالنهر و هند را نتیجه‌ی شیوع آن می‌داند و می‌نویسد در همه‌ی این مناطق پادشاهی قدرتمند و مستقل شکل نگرفت و هرج و مرج سیاسی حکمفرما شد. مملکت ایران در دست ملوک الطوائف افتاد و آنها هر روز قصد خون یکدیگر کرده و میان نوکر و صاحب فرقی نماند.⁴⁹

این مرحله از طاعون همچنین موجب از بین رفتن گروهها و سازمانهای مسیحی در خاورمیانه و خاور نزدیک گردید و قرنهای فعالیت‌های تبلیغی فرستادگان پاپ را در جوامع اسلامی به تأخیر انداخت.⁵⁰

۲- مرحله‌ی دوم؛ دوره‌ی تیموریان

مرحله‌ی دوم مرگ سیاه در ایران طی سال‌های دهه‌ی ۸۳۰ق/۱۴۲۶م گسترش یافت. این دوره مصادف با حاکمیت تیموریان و دوره‌ی فرمانروایی شاهرخ تیموری (۸۵۰-۸۰۷ق) است. البته همزمان با شاهرخ، خاندان قراقویونلو در آذربایجان حکومت را به دست گرفتند و همواره این سرزمین محل نزاع آنها بود. اوج گسترش طاعون در ایران در این مرحله مربوط به سال‌های ۸۳۷ و ۸۳۸ق/۱۴۳۳ و ۱۴۳۴م است. یکی از کانون‌های مهم طاعون در این مرحله، شهر هرات مرکز حکومت تیموریان بود. هرات یکی از شهرهایی بود که از نظر لطافت هوا و گوارایی آب شهرت داشت و مردم آن تا آن زمان دچار چنان بلایی نشده بودند، از این رو بروز بیماری طاعون علاوه بر تلفات وسیع انسانی، موجب وحشت و حیرت آنها گردید. اسفزاری مورخ تاریخ هرات در توصیف شیوع این بیماری می‌نویسد:

« و صورت مرض آن بود که ناگاه مردم را درد سر و تب محرق می‌گرفت، و بثره مقدار نخودی و یا کمتر و یا بیشتر بر اعضاء پیدا می‌شد، و بعضی هم در یک روز و بعضی در دو روز، و (بعضی) سه روز به جوار رحمت حق می‌رفتند، و چون در مدت‌های مدید خلایق این بلیه ندیده بودند و از کسی نشنیده عاجز و متحیر فرو ماندند، و جلای وطن اختیار کردند.»⁵¹ چنان که پیداست یکی از پیامدهای اجتماعی آن مهاجرت گسترده‌ی اهالی شهر به مناطق دیگر و کاهش شدید جمعیت بود. مؤلف خلد برین در روایت خود از طاعون هرات می‌نویسد: «... و روز به روز شدت این مرض، خرمن سوز حیات پیر و جوان می‌گردید تا جمعی کثیر از مردم شهر و بلوکات، سفر آخرت پیش گرفتند و بسیاری از اهالی آن ولایت جلای وطن اختیار کرده متاع زندگانی را از غارتگر آن داهی‌ی عظمی به سلامت گذرانیدند... و صعوبت این حال به مرتبه‌ای رسید که در یک روز خرمن هستی ده هزار کس به آن برق بی‌امان سوخت.»⁵² بر اساس گزارش مورخان در شهر هرات یک روز چهار هزار و هفتصد تابوت شمرند که از دروازه‌ها بیرون بردند، به جز جنازه‌هایی که حمالان بدون تابوت بر پشت خود و روی الاغها بار کرده و برده بودند و آنها که در گودالها افکنده و خاک بر ایشان می‌انباشتند.⁵³

در جریان این طاعون جمع زیادی از مشاهیر و دانشمندان و عرفای خراسان از دنیا رفتند و تأثیر عمیقی بر رکود علمی آن حوزه از تمدن ایرانی-اسلامی برجای نهاد. از جمله‌ی آنها خواجه عبدالقادر، عالم ذوالفنون و استاد فن موسیقی بود⁵⁴ (واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۴۸۱). عبدالرزاق سمرقندی اسامی افراد زیادی از علما و بزرگانی را که قربانی این طاعون بزرگ شدند، نام برده است.⁵⁵

تأثیر اجتماعی ویرانگر این طاعون و آوازه‌ی مرگ هزاران نفر به ویژه عالمان و مشاهیر به حدی بود که شاهرخ که در این زمان در حدود ری به سر می‌برد، دستوری صادر کرد که هر مکتوبی از جانب خراسان به مناطق دیگر آید، هیچکس آن را نگشاید و مطالعه نکند تا باعث وحشت و «سبب تفرقه‌ی خاطر نشود».⁵⁶

مؤلف روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات در مورد آمار تلفات این طاعون در هرات و مناطق دیگر خراسان می‌نویسد بر اساس شمارش گور و کفن افراد، در شهر هرات ششصد هزار نفر و در خارج از هرات چهارصد هزار نفر از دنیا رفتند. سپس شعری را که سروده‌ی پدرش بوده در این زمینه نقل می‌کند:

ششصد هزار در قلم آمد که رفته‌اند ز آنها که یافت گور و کفن مردم خیار
باقی زبی کسی همه در خانه مانده‌اند خوردند چشمشان همه در خانه مور و مار⁵⁷

این مرحله از طاعون تأثیر زیادی بر کاهش تجارت و کسب و کار مردم نهاد و

- 49- Tatawi, 1382: 7/4555.
50- Spuler, 1386: 238.
51- Isfazari, 1338: 92.
52- Waleh Sfahani Qazwini, 1379: 481.
53- Isfazari, Op cit: 92-93.
54- Waleh Sfahani Qazwini, Op cit: 481.
55- Samarqandi, 1383: 3/part 1: 452-454.
56- Isfazari, Op cit: 2/93.
57- Ibid: 94.



به قول اسفزاری «بازار و دکان و سودای سود و زیان بر افتاد».⁵⁸ از دیگر پیامدهای اجتماعی مرگ سیاه در ایران، بازتاب آن در محافل علمی و مذهبی جامعه بود. ظاهراً مباحث مربوط به علت بروز طاعون در آن زمان در میان مردم و اهل دانش و فرهنگ رواج زیادی داشته است. از منابع تاریخی این نکته روشن است که دو دیدگاه متفاوت در مورد بروز طاعون رایج بود و هر کدام پیروانی داشتند. یکی از مورخان، گروه نخست را اهل حکمت و دانش و گروه دوم را اهل حقایق که منظور وی عارفان و دینداران است، می خواند. هرچند گروه نخست نیز عالمان دیندار بودند، اما در مسأله‌ی شیوع طاعون در پی یافتن علت یا علل طبیعی آن بودند. آنها شیوع این بیماری را مانند وباء نتیجه‌ی عفونت آب و هوایی دانستند و بدیهی است که به علت باکتریایی آن از طریق جوندگان پی نبرده بودند.⁵⁹ گروه دوم که اسفزاری آنها را اهل حقایق دانسته و در درستی عقیده‌ی آنها تردیدی ندارد، معتقد بودند که بروز طاعون ناشی از ذمائم افعال و قیاح اعمال بندگان است. آنها استدلال خود را بر این امر متمرکز کرده بودند که آب و هوای هرات بهشتی صفت است و اقتضای شیوع بیماری نمی کند. پس طاعون نتیجه‌ی کثرت مردم بی بند و بار و ازدحام خلایق هرجایی و رواج افعال ناشایست است.⁶⁰

علاوه بر دو گروه مذکور، عده‌ای نیز سرنوشت خود را به تقدیر سپرده بودند و به قول عبدالرزاق سمرقندی بساط صوفیانه انداختند و به حکم ربانی و قضای آسمانی در ساختند. این گروه اظهار می کردند که منجمان با استخراج تقویم و بررسی اوضاع فلکی و اقالیم مختلف، شیوع طاعون را پیش‌بینی کرده و از این رو وقوع آن ناگزیر بوده است.⁶¹

از گزارش‌های مورخان استنباط می شود که بجز توانگران و افرادی که قادر به ترک شهر و دیار خود بودند، سایر افراد جامعه تن به تقدیر داده و این امر به افزایش تلفات انسانی گسترده انجامید. این مرحله از مرگ سیاه علاوه بر هرات، در شهرهای ماوراءالنهر از جمله سمرقند نیز منتشر شد و جمع زیادی از اهالی آن مناطق را به کام مرگ کشاند. مرگ و میر هزاران نفر از طبقات مختلف و مشاهده‌ی درماندگی افراد اعم از توانگران و بینوایان، تأثیرات عمیقی بر روابط اجتماعی و تلقی بی‌اعتباری دنیا و بی‌توجهی به عمران و آبادی داشته است. به ویژه آنکه آبادی‌های معتبر به دلیل ویرانی و خالی شدن از سکنه، مأمن و مسکن حیوانات گشته بود. گزارش‌ها نشان می دهند که بسیاری از طاعون زدگان منفور دیگران شده و انزواجویی و دوری از مردم را برگزیده و به قول شاعر همچو اشک از چشم خلق افتاده‌اند.⁶² بعضی از شهرها و ایالات دیگر ایران نیز در این طاعون خسارت زیادی دیدند. از جمله‌ی آنها استرآباد بود که به خرابی افتاد و جمع کثیری از مردم و بزرگان در اثر آن مردند که از جمله کاتبی نیشابوری از شاعران بزرگ قرن نهم بود.⁶³

۳- مرحله‌ی سوم؛ دوره‌ی ترکمانان

مرحله‌ی سوم مرگ سیاه بار دیگر آذربایجان را درنوردید و ویرانی فراوان به بار آورد. شدیدترین طاعون این مرحله در سال ۳-۸۹۲ ق/ ۸۷-۱۴۸۶م همزمان با حاکمیت دودمان آق قویونلو بر آذربایجان و نواحی غربی ایران بود. از گزارش مورخان به خوبی روشن است که این طاعون نیز از نوع طاعون خیارکی بوده است. از جمله در توصیف جالب مؤلف تاریخ عالم آرای امینی که در آن زمان می زیست، می توان نشانه‌های این نوع طاعون موسوم به مرگ سیاه را دریافت. او می نویسد: «خوبان که از خال رخساره‌ی ایشان دل‌ها مفتون بودی اکنون از دانه طاعون بر چهره‌شان جگرها پر خون است. هر تاجر که زر سرخ در بغل داشتی اکنون ماده پر خون در زیر بغل دارد و هر جوان که به رعونت گردن برافراشتی اکنون از تاب مرض عفونت هر دم گردن پیش نیش آرد».⁶⁴ نویسنده پس از آن به نقل شعری می پردازد که هم بیانگر تأثیر ویرانگر این مرحله‌ی طاعون بر جامعه بوده و هم توصیف شاعرانه‌ای از این نوع طاعون است:

آتش مرگ جَست تیزا تیز	طعن طاعون فتاد در تبریز
خرمن عمر جمله داد به باد	دانه‌ای در میان خلق افتاد
این عجب دانه‌ای است خرمن سوز	خرمن از دانه می شود پیروز
داس در مزرع حیات نهاد	خوشه‌ی مرگ دانه‌ای بر داد

58- Ibid: 262.

59- Ibid: 92.

60- Ibid.

61- Samarqandi, Op cit,2/part 2: 910.

62- Ibid: 4/928-929.

63- Safa, 1378: 4/233.



کوه سرخاب غرق در خون است نه عجب، روزگار طاعون است⁶⁵

زمستان سال ۸۹۳ ق/ ۱۴۸۷م طاعون بار دیگر تیریز و آبادی‌های پیرامون آن را فرا گرفت. تعداد زیادی از مردم تلف شدند و بسیاری نیز جلای وطن اختیار کردند. خروج لشکریان و مردم از شهر، موجب ناامنی و هرج و مرج و پریشانی شهر گردید. بازتاب احوال مردم در آن اوضاع را می‌توان از ابیات زیر به خوبی دریافت:

آه که طاعون دل ما ریش کرد	خانه‌ی شه کلبه‌ی درویش کرد
باده‌ی خون ریخت به جام همه	گشت وبا تلخی کام همه
وقت خزان بود و گه برگ ریز	کآتش طاعون به جهان گشت تیز
دانه‌ی خون بر تن هر نوجوان	یاسمنش ساخته چون ارغوان
لاله که سر بر زده در نوبهار	داغ عزا مانده ازو یادگار
آتش طاعون چو بر افروخته	خشک و تر باغ جهان سوخته ⁶⁶

شیوع این مرحله از طاعون که به مهاجرت گسترده‌ی مردم به مناطق دیگر به ویژه روستاها و نواحی کم جمعیت و دور از راه‌های کاروان رو و شهرهای پر رفت و آمد انجامید، همزمان با ناامنی‌ها و جنگ‌های خانگی دودمان آق‌قویونلو و حاکمان محلی ایران بود. بعضی از مورخان شیوع آن را ناشی از بی‌توجهی حاکمان و ظلم و ستم آنها دانسته که منجر به ویرانی مملکت و مهاجرت گسترده‌ی مردم از نواحی طاعون زده گردید و قحطی و گرسنگی به همراه آورد. این مسأله، یعنی همزمانی طاعون با هرج و مرج و شیوع فتنه و جنگ‌های خانگی در سرزمینهای دیگری هم که دستخوش این بیماری شد، مشهود بود. مورخان مصری نیز از همزمانی طاعون با «حوادث شنیعه و حروب و فتن» یاد کرده‌اند.⁶⁷ مورخ دوره‌ی صفوی نیز این طاعون را از شومی ظلم و جور خاندان آق‌قویونلو می‌داند که خلق بسیاری را از پای درآورد و بسیاری جلای وطن کرده و احوال عالم دگرگون گشت.⁶⁸

نتیجه‌گیری

طاعون بزرگ قرون وسطا معروف به مرگ سیاه مرگبارترین رویداد در تاریخ پزشکی است. هرچند بشر همواره از گذشته‌های دور تا قرن نوزدهم میلادی با شیوع طاعون و تلفات ناشی از آن مواجه بوده، اما دوره‌ی مرگ سیاه بیش از هر مورد دیگر و حتی هر بیماری دیگر تا به امروز به مرگ و میر گسترده‌ی انسان‌ها و کاهش شدید جمعیت در آسیا، شمال آفریقا و اروپا انجامیده است. بررسی منشأ جغرافیایی مرگ سیاه تا به امروز ادامه دارد و کانون‌هایی مانند چین، آسیای مرکزی، جنوب روسیه و کردستان عراق از جمله مکان‌هایی بوده که مورخان و محققان تاریخ پزشکی به آن توجه نموده‌اند.

در بررسی و مطالعه پیرامون عوامل گسترش مرگ سیاه در قرن هشتم و نهم هجری/ چهاردهم و پانزدهم میلادی، دو عامل مهم تهاجم مغولان به آسیای مرکزی و غربی و اتصال راه‌های کاروانی تجاری پس از شکل‌گیری امپراتوری مغول به عنوان مهم‌ترین آنها شناخته شده‌اند. مغولان با پراکندگی گسترده در مناطق مختلف از چین تا دریای سیاه، چونندگان و حاملان انتقال بیماری را به سرزمین‌های دیگر برده و به انتشار وسیع آن دست زدند. همچنین پس از استقرار امپراتوری مغولان بر بخش‌های گسترده‌ای از راه‌های بازرگانی شرق و غرب، کاروان‌ها و کشتی‌های تجاری در تکاپوی بیشتر افتاده و آمد و شد بازرگانان و حمل و نقل اقلام مختلف تجاری گسترش زیادی یافت تا جایی که مورخان نخستین موج جهانی شدن از طریق تجارت و بازرگانی را در همین دوران که مصادف با شیوع مرگ سیاه در آسیا و اروپاست، می‌دانند. بدین ترتیب راه‌های خشکی و دریایی علاوه بر مسیر حمل و نقل کالا، به راه انتشار طاعون تبدیل شدند و بیماری را به مناطق دیگر گسترش دادند.

شیوع مرگ سیاه در ایران همزمان با تحولات سیاسی و اجتماعی زوال ایلخانان تا پیش از برقراری حکومت صفوی بود. به عبارت دیگر سه مرحله‌ی شیوع طاعون بزرگ در ایران عبارت بودند از مرحله‌ی نخست پس از زوال ایلخانان و حاکمیت

64- Khonji, 1382: 232.

65- Ibid.

66- Ibid: 322-323.

67- Ibn Taghribardi, 1392h: 14/347.

68- Al Hosayni, 1362: 973.



قدرت‌های محلی، مرحله‌ی دوم دوره‌ی حکومت شاهرخ تیموری و مرحله‌ی سوم در اواخر حکومت آق قویونلو. کانون‌های اصلی انتشار طاعون بزرگ در ایران مناطق شمال غربی، شرق و شمال شرقی بودند.

مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی مرگ سیاه در ایران، کاهش شدید جمعیت، بروز وحشت عمومی و ناامنی و هرج و مرج، مهاجرت گسترده‌ی اهالی شهرها و مرگ افراد زیادی از طبقات تأثیرگذار جامعه از جمله عالمان و هنرمندان و تاجران بود. این پیامدها تأثیر زیانباری بر فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی و در نتیجه انحطاط جامعه‌ی ایرانی در آن مقطع تاریخی داشت.

این مقاله بر آن بود تا با بررسی چگونگی عوامل شیوع مرگ سیاه در ایران و مناطق مختلف، اهمیت این بیماری را در تاریخ پزشکی نشان داده و همچنین با ارائه‌ی شواهد تاریخی از انتشار آن، تأثیر این بیماری را بر تحولات اجتماعی و فرهنگی قرن هشتم و نهم هجری/چهاردهم و پانزدهم میلادی در ایران تبیین نماید.

References

- Al Ahari Abubakr Al Qotbi. [*History of Sheykh Oways*]. Corrected by Abdurassool Kheyrandish. Ketab e Mah History and Geography. 1383: 81-3. [in Persian]
- Al Maqrizi Taghi Aladdin Ahmad ibn Ali. [*Almawaez wa Al E'tebar fi Zekr Al Khatat wa Al Asar*]. First Edition. Vol 1-2. London: Al Forghan Leltoras Al-Eslami. 1422h. [in Arabic]
- Al Maqrizi Taghi Al-ddin Ahmad ibn Ali. [*Al Soluk Le Ma'refat-i Dowal Al Moluk*]. Research by Mohammad AbdolGhader Ata. Vol 4. Beirut: Dar Al Kotob Al Elmieh. 1418. [in Arabic]
- Alhosayni Majd Al Din Mohammad. [*Zinat Al Majales*]. Tehran: Library of Sanayee. 1362. [in Persian]
- Bearman PJ et al. editors. *The Encyclopaedia of Islam*. New Edition. Shoshan B. WABA. Vol. XI W-Z. Leiden. New York: Leiden Brill. 2002. 2-3.
- Biruni Abooreyhan. [*Asar Al Baghyyeh an Al Qorun Al Khaliyyeh*]. Translated by Akbar Dana Seresht. Tehran: Amir Kabir. 1386. [in Persian]
- Borsch SJ. *The Black Death in Egypt and England A Comparative Study*. Austin: University of Texas Press. 2005.
- Byrne JP. *Daily life during the Black Death*. London, Westport, Connecticut: Greenwood press. 2006.
- Byrne JP. *Encyclopedia of the Black Death*. Santa Barbara, California. Denever, Colorado. Oxford, England: ABC-Clio. 2012.
- Byrne JP. *The black Death*. London: Greenwood Press, Westport, Connecticut. 2004. Document 8, Ibn al-Wardi Abu Hafis. [*Risalah al-Naba an al-Waba*].
- Desormeaux AL. *The Black Death and its Effect on Fourteenth -and Fifteenth- Century Art*. Alexandria: B A Louisiana State University. 2007.
- Fasih Khafi. [*Mojmal-i Fasihi*]. Introduction and Corrected Sayyed Mohsen Naji Nasr Abadi. Vol 2. First Edition. Tehran: Asatir. 1386. [in Persian]
- Gets, Faye Marie. Black Death and the Silver Lining: Meaning, Continuity, and Revolutionary Change in Histories of Medieval Plague. *J History of Biology*. 1991; **24**(2): 265-89.
- Hafez Abru Abdollah ibn Lotfollah. [*Zobda Al Tawarikh*]. Corrected by Haj Sayyed Jawadi SK. Vol 2. First Edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. 1380. [in Persian]
- Hamadani Rashid Al-ddin Fazl Allah. [*Tarikh-i Mobaraki Ghazani (History of Ghazan)*]. Corrected by Karl Yan. Abadan: Porsesh. 1388.



[in Persian]

Hatami H. *Clinical Epidemiology and Control of Plague*. Tehran: Shahid Beheshti University of Medical Sciences. 1384. [in Persian]

Howorth HH. *History of the Mongols from the 9th to the 19th Century*. Vol 2. London: Longmans, Green and Co. 1880. Division 1. The So-Called Tartars of Russia and Central Asia.

Ibn Battuteh. [*Rihla ibn Battuteh*]. Egypt: Al Maktaba Al Tejaryya Al Kobra. 1377. [in Arabic]

Ibn Taghribardi. [*Al Nojum Al Zahera fi Moluk Mesr va Al Qahera*]. Vol 10. Beirut: Dar Alkotob Al Elmiyya. 1413. [in Arabic]

Isfazari Moen Al Ddin Mohammad Zemach. [*Rozat Al Jannat fi Osafe Madina Harat*]. Corrected by Sayyed Mohammad Kazem Emam. Vol 2. Tehran: University of Tehran. 1338. [In Persian]

Jowayni Ata Malek. *History of Jahangoshay*. Corrected by Mohamma ibn Abdolvahhab Qazwini. 3 Vol set. Tehran: Hermes. 1387. [in Persian]

Khonji Fazl Allah ibn Roozbahan. *History of Alam Araye Amini*. Corrected by Mohammad Akbar Ashigh. First Edition. Tehran: Miras e Maktoob. 1382. [in Persian]

Legoff J. *Europe Generated by Middle Ages*. Translated by Baha'Alldin Bazargani Gilani. Second Edition. Tehran: Kavir. 1391. [in Persian]

Magner LN. *A History of Medicine*. Boca Raton. London. New York. Singapore: Taylor & francis Group. 2005.

Sean M. *The Black Death*. Harpenden, England: Pocket Essentials. 2007.

Mostowfi Qazwini H. [*Nozht Al-Qolub*]. Corrected and Annotated by Mohammad Dabir Siaghi. First Edition. Qazwin: Hadis Emrooz. 1381. [in Persian]

Ramin A, Fani K, Sadat MA. [*Danesh Nameh Danesh Gostar*]. Vol. 11. Tehran: Danesh Gostar Rooz. 1389. [in Persian]

Safa Z. *History of Literture in Iran*. Vol. 4. Tehran: Ferdows. 1378. [in Persian]

Samarqandi Kamal Alldin Abdolrazzagh. [*Matla'-I Sa'dayn wa Majma'-i Bahrayn*]. Corrected by Abdolhosayn Navaee. Vol. 1. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. 1383. [in Persian]

Sanders JJ. *History of Mongols Conquests*. Translated by AbolGhasem Halat. Tehran: Amir Kabir. 1361. [in Persian]

Sistani Malik Shah Hosayn ibn Malik Ghias Al-ddin Mohammad ibn Shah Mahmood. [*Ehya' Al-Moluk, History of Sistan to Safavid period*]. Corrected by Manoochehr Sotudeh. Tehran: Elmi wa Farhangi. 1383. [in Persian]

Slavicek LC. *The Black Death*. USA: Chelsea House Publishers. 2008.

Spuler B. *History of Mongol in Iran*. Translated by Mahmood Mir Aftab. Tehran: Elmi wa Farhangi. 1386. [in Persian]

Sussman GD. Was the Black Death in India and China? *Bull Hist Med*. 2011; **85**(3): 319-55.

Tatawi Qazi Ahmad Asef Khan Qazwini. *History of Alfi*. Corrected by Tabatabayee Majd GR. Vol 7. Tehran: Elmi wa Farhangi. 1382. [in Persian]

Waleh Isfahani Qazwini MY. *Khold-i Barin (Part of Sixth and Seventh), History of Timurid and Torkamanid*. Corrected by Mohaddes MH. Tehran: Miras-i Maktub. 1379. [in Persian]

